



انترناسیونال

۲۷۵

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۹ آذر ۱۳۸۷، ۱۹ دسامبر ۲۰۰۸

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدیبر: محسن ابراهیمی

پیشروی جنبش کارگری در گرو حزیت است

مصاحبه تلویزیونی شهلا دانشفر با حمید تقوایی

در مورد قطعنامه "اهمیت و جایگاه حزب" مصوب پلنوم ۳۱ حزب



پیرامون آن از پلنوم سی ام در حزب وجود داشت. سمینارها و نوشته های

صفحه ۳

و نیز اوضاع سیاسی جامعه برخوردار است؟

حمید تقوایی: بنظر من، این قطعنامه بطور مستقیمی به همین دو نکته ای که شما اشاره کردید، مربوط است. به اوضاع سیاسی امروز جامعه و

بخصوص موقعیت حزب در شرایط امروز. ابتدا یادآوری کنم که این قطعنامه همینطور ابتدا به ساکن در این پلنوم مطرح نشد و در واقع، بحث

شهلا دانشفر: حمید تقوایی سلام. به برنامه "سازمانده" خوش آمدید...

حمید تقوایی: با سلام به شما و بینندگان عزیز این برنامه.

شهلا دانشفر: می خواستم با شما در مورد قطعنامه اهمیت و جایگاه حزب که در پلنوم سی و یک حزب تصویب شد، گفتگو کنم. نخستین سوال این است که این قطعنامه از چه جایگاهی در اوضاع کنونی حزب

وحشت از قدرت کمونیسم از زبان حکومت و اپوزیسیون راست



فاتح بهرامی

حکومت اسلامی سرکوب و دستگیریهای دانشجویان چپ در جریان ۱۶ آذر سال قبل را با ادامه و تشدید دستگیریهای فعالین و رهبران کارگری و افزایش اعدامها و اذیت و آزار زنان و جوانان ادامه داد تا بزعم خود چپ جامعه را بعقب براند و ارباب ایجاد کند. اما مردم نه تنها مرعوب نشدند بلکه اعتصابات کارگری و اعتراضات جوانان آزادیخواه ادامه یافت. و از آنطرف هم هراس حکومت از انقلاب کارگران و مردم معترض که خود را در اختلافات شدید در بالاترین سطوح حکومتی نیز نشان میداد و با رسواییهای ناشی از افشای دزدیهای کلان سران حکومت نیز همراه بود وضعیت حکومت را بحرانی تر کرد. در مقابل این وضع سرانجام حکومت اسلامی آرایش امنیتی بخود گرفت و دست به مضحکه مانور ناجا زد و بازگشت بسیج به محلات را در

دستور قرار داد. این مورد آخر که بویژه میبایست قدر قدرتی حکومت را به مردم سرنگونی طلب نشان میداد و رسماً نیز اعلام کره بودند که برای مقابله با ۱۸ تیرها و جنبش های زنان و جوانان و ناآرامیها راه انداخته اند، در واقع نمایش استیصال حکومت و اعلام وحشت از انقلاب کارگران و مردم آزادیخواه بود. مردم به این مانور و پز امنیتی-نظامی رژیم خندیدند و آنرا به تمسخر و جوک گرفتند. این تمسخر البته بیدلیل

صفحه ۲

در مقابل قانونی کردن اخراج کارگران باید ایستاد

رژیم، جلسه ای برپا شده که در آن بعد از بحث و تفحص موادی قانونی به تصویب رسیده است که یکی از آنها اضافه شدن بند (ز) به ماده ۲۱ قانون کار مبنی بر اخراج کارگران از کار است. ماده ۲۱ قانون کار

به گزارش سایت دولتی ایسنا در ۱۲ آذر، چندی پیش با حضور يك مشت آخوند و مقامات مختلف دولتی از جمله شورای نگهبان و وزیران و روسای کمیسیون های مربوطه از سوی دولت و مجلس شورای اسلامی



شهلا دانشفر

صفحه ۶

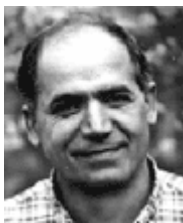
یک گام بزرگ به جلو نگاهی به ۱۶ آذر امسال

بخش دوم

پیشروی در گرو چیست؟

خفت به دانشگاه رفت، به نوبه خود اهمیت سیاسی کاری که دانشجویان در روزهای مربوط به شانزده آذر امسال انجام دادند را نشان میدهد. پیشروی اعتراضات دانشجویی، در گرو عملی کردن گامهای زیر است:

در بخش اول این مقاله به شانزده آذر امسال و مشخصات و گامهایی که به جلو برداشت اشاره کردیم. اینجا به يك نکته در چهارچوب قسمت اول اشاره میکنم و بعد سراغ قسمت دوم میروم. نفس اینکه خامنه ای این رهبر منفور و مفلوک حکومت با این درجه



اصغر کریمی

۱- آزادیخواهی و سرنگونی طلبی دو وجه اصلی و مهم مبارزه مردم و دانشجویان در شرایط کنونی

صفحه ۵

کارگران لوله سازی اهواز دست به تجمع اعتراضی زدند

صفحه ۱۰

گردهمایی علیه قتل‌های ناموسی در آلمان

صفحه ۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ وحشت از کمونیسم ...

نمود، حکومتی که در همان حالیکه قصد ارباب دارد همزمان مانور وحشت از قدرت مردم راه میاندازد و از ترس همین مردم بجان همدیگر میافندد بطور طبیعی اربابش با شیشکی مردم جواب میگیرد.

اما اتفاق بسیار مهم و پاسخ دندان شکن به دستگیری و زندان دانشجویان چپ و مانور ناجا و طرح امنیتی رژیم در ۱۶ آذر امسال اتفاق افتاد. اینبار شعارهای چپ و علیه حکومت و با حضور توده ای و سراسری دانشجویان در ۱۶ آذر کل بساط حکومت اسلامی را بهم ریخت، و پیام ۱۶ آذر امسال دانشجویان در جواب یکسال سرکوب و توحش رژیم روشن و قاطع این شعار بود: "سید علی پینوشه، ایران شیلی نمیشه!" و سید علی مفولک به کمک تمام اعوان و انصارش عده ای حزب الهی را جمع کرد و چند روز بعد بدانشگاه برد تا در جواب دانشجویان و شعار آنها بگویند "سید علی روح الله". این وضعیت قدرتمند چپ در جامعه و این پاسخ دندان شکن دانشجویان به تمام تلاش حکومت اسلامی در سرکوب و اعدام و زندان، در کنار گسترش اعتصابات کارگری و گسترش نفوذ و اعتبار حزب کمونیست کارگری و تبدیل شدن آن به امید مردم، صدای نمایندگان دو ضد انقلاب پوزسیون و اپوزسیون راست را در مقابل "خطر سوسیالیسم" بصدا درآورد. کیهان، سمبل قتل و شکنجه و ساوامای رژیم، و داریوش همایون از حزب مشروطه از سازمانهای اصلی جریانات شاه پرست که ۳۰ سال پیش طی یک انقلاب تاج و تخت و ساواکشان درهم پیچیده شد، هر دو در ۲۳ و ۲۰ آذر علیه مارکسیسم و کمونیسم و انقلاب چیزهایی گفتند. این نمایندگان رژیمهای ساقط شده و منتظر سقوط انگار درد مشترکشان یعنی خطر از بین رفتن سرمایه داری و بساط استثمار را بو کشیده اند و لازم دیده اند در مقابل آن به کمونیستها چیزی گفته باشند. اما درباره نکات آنها:

کیهان شریعتمداری که بیشتر از اینکه یک روزنامه باشد معمولا بعنوان یکی از نهادهای حفظ نظام و سینه چاک ولی فقیه و در خدمت شکنجه و ترور و سرکوب کمونیستها و آزادیخواهان و مخالفین حکومت

شناخته میشود و در این جهت همیشه به دولت و کل حکومت هم خط داده است، اینبار در نوشته ای بقلم مهدی جمشیدی ابتدا نکاتی بعنوان دلایل جان و قوت گرفتن مارکسیسم و جریانات مارکسیستی در دانشگاه را بررسی میکند و در انتها طبق معمول به آنجا میرسد که گویا سرکوب باندازه کافی نبوده است. کیهان در ابتدا اشاره میکند "اگر چه در آن زمان شاید کسی گمان نمیرد که برافراشته شدن پلاکاردها و دست نوشته های «آزادی، برابری» در تجمعات دانشجویی، نقطه آغاز ظهور مجدد جریان های مارکسیستی در جنبش دانشجویی ایران باشد و در آینده ای نه چندان دور، این جریان ها به یکی از گفتمان های مهم موجود در جنبش دانشجویی تبدیل شوند، اما امروز این واقعیت کاملا روشن است." کیهان پس از اشاره به اینکه مارکسیسم در دهه های سی تا پنجاه حضور اجتماعی قوی داشته و گفتمان آن رقیب اصلی گفتمان اسلامی بوده، اشاره به قرن نوزده میکند و اینکه کارگران بدنبال ظلم و ستم سرمایه داری لیبرال به مارکسیسم روی آوردند. پس از این مقدمه چینی کیهان یادش نمیرود که غیر مستقیم جمهوری اسلامی را از دایره کشورهای سرمایه داری خارج کند، سپس اقتصاد دهه ۶۰ را نزدیک به سوسیالیستی میداند و بعد تقصیر روآوری به مارکسیسم در ایران را به گردن ۱۶ سال دوره سازندگی و اصلاحات رفسنجانی و خاتمی می اندازد که سیاستهای اقتصادی آنها گرایش به سرمایه داری لیبرال داشته اند. و میگوید چون مارکسیسم به مفاهیم عدالت خواهی و برابری طلبی و رفع ظلم و استثمار انگشت میگذارد و اینها مفاهیم فطری انسان هستند لذا طبیعی است که طبقات پائین و متوسط در واکنش به ظلم و ستم دوره های خاتمی و رفسنجانی بطرف مارکسیسم جذب شوند و شعارها و مطالبات مارکسیستی هوادار پیدا میکنند. بلحاظ سیاسی و اجتماعی نیز کیهان باز معضل را به همین دوره وصل میکند که نظریه اجتماعی و سیاسی دینی که حرف از عدالتخواهی بزند و با ستم و فساد سرمایه داران مبارزه کند وجود نداشته و یا ضعیف بوده و

افسوس میخورد که اگر "مفاهیم عدالت خواهانه" خمینی مانند "مستضعفان"، "جنگ فقر و غنا"، "سرمایه داران زالو صفت" و غیره از سوی حوزه و دانشگاه بکار گرفته میشدند امروز دلیلی برای حضور گفتمان مارکسیستی نبود! و بالاخره اساس حرف کیهان که هدف نوشته اش را تشکیل میدهد اینست که در دوره هشت ساله دولت اصلاحات پلورالیسم سیاسی وجود داشته، کنترل و هدایت فضای فرهنگی صورت نگرفته، مخالف و آزادی و به سبک لیبرالیستی تحمل شده و حاکمیت دینی به تامین نظم و امنیت آزادی خلاصه شده و غیره. و وجود اینها باعث شده که گرایشها و جریانات فکری و سیاسی "الحدادی و سکولاریستی" مجال ظهور و رشد بیابند و عرصه فرهنگی و مراکز دانشگاهی را تبدیل به محل تبلیغات ضد دینی بکنند. کیهان همچنین تاکید میکند که گرایشات فکری دیگر در جنبش دانشجویی مانند لیبرالها و فنیستها و قومیت گرایان و غیره حضور محسوس ایدئولوژیکی داشته اند و همگی از هدایت سیاسی واحدی برخوردار بوده اند که براندازی حکومت دینی هدفشان بوده است.

نفس طرح نکات فوق از جانب کیهان وضعیت اسفناک و رو به موت رژیم اسلامی را معلوم میکند و باندازه کافی بی آبرویی و تناقضات و بن بست این حکومت و نیز قدرت کمونیسم و آزادیخواهی کارگران و زنان و جوانان را نشان میکند. اولاً کیهان یادش رفته است که نکات مهمتر فرمایشات آقای خمینی درباره اقتصاد را اشاره کند چون خمینی گفته بود "اقتصاد مال خر است". و ما هنوز نمیدانیم که در کدام فصلهای رساله یا توضیح المسائل او درباره "اقتصاد خر" مبانی نظری و عملی ارتباط مفاهیم مستضعفان و سرمایه داران زالو صفت با وجود آیت الله های میلیاردی و وزرا و "بازاریان محترم" میلیاردی که همگی از "یاران صدیق امام" هستند بحث شده است؟ بعلاوه، دعوای درونی جناحهای درون حکومت بکنار، که آیا بروش خاتمی و رفسنجانی این رژیم قادر به بقاست یا بشیوه احمدی نژاد و کیهان، چون دعوای اینها "جنگ بازنده ها" است و بقائی در کار نیست، فعلا باید از کیهان سوال کرد که در دوره آقای

احمدی نژاد که مورد حمایت کامل ولی فقیه هم هست و امام زمان هم آفتد پشت و پناهنده است که نورش را از بالای سر ایشان دریغ نمیکند و حتی بیشتر از خمینی مستضعف پناه و استکبار ستیز است چرا در دوره ایشان نیز حقوق کارگر را شش ماه و یکسال بالا میکشید و وقتی کارگر اعتراض میکند اوایشان را به سراغشان میفرستید؟ چرا فعالین کارگری را بجرم شرکت در روز کارگر یا فعالیت برای درست کردن تشکلهایشان به زندان انداخته اید؟ این آیت الله های سنگین وزن که آبروی امام و نظامتان هستند و میلیارد میلیارد دزدیهایشان توسط خودتان رو شده است چرا هنوز همه کاره هستند اما کارگران و فرزندانشان نان شب ندارند؟ آیا در اقتصادیات خر و کیهان و سایر سردمداران جمهوری اسلامی بجز اینکه "کارگران بکارند و آیت الله ها و سرمایه داران بخورند" اصل دیگری وجود دارد؟ يك مشت دزد و چپاولگر و غارتگر بجان ثروت جامعه و محصول کار کارگران افتاده اید و بوسیله زندان و شکنجه و گله اوایش مسلحان از این ثروتهای بادآورده حفاظت میکنید و تازه میخواید همان آیت الله های میلیاردی درباره مستضعفان کمی بیشتر روزه بخوانند تا کارگران به مارکسیسم روی نیآورند؟ واقعیت اینست که جناحهای جمهوری اسلامی و با سیاستهای اقتصادی مختلف همگی سر کار آمدند و در تمام این دوره ها با توسل به نیروی سرکوب ننتها شدت استثمار را تا آنجا که ممکن بالا بردند بلکه پدیده عدم پرداخت دستمزد را به يك امر عادی بدل کردند و يك فلاکت اقتصادی بیسابقه را به مردم تحمیل کرده اند و از طرف دیگر بخش کوچکی از دزدیها و چپاول سران این حکومت امروز برای همه مردم عیان شده است. امروز مردم دیگر تحمل نمیکند و باید بساطشان را جمع کنید. نه اقتصاد ورشکسته جمهوری اسلامی درمانی دارد و نه هیچ جناحی از این رژیم قادر به کوچکترین تغییر حتی موقت در وضعیت کنونی است، همه امتحانها را پس داده اند. کیهان نیز خوب میداند که زنگ نابودی این حکومت در جامعه ایران بصدا درآمد است و آنچه را میگوید فقط جوك است اما چاره دیگری هم ندارند.

درباره نسخه همیشگی کیهان، یعنی تاکید به سرکوب بیشتر بعنوان راه حل مقابله با رشد مارکسیسم و کمونیسم و دادن این تصویر که گویا در دوره خاتمی باندازه کافی سرکوب وجود نداشته است فقط باید تاکید کنم که زیادی خود را به نفهمی میزنند. فقط یادآوری به رگبار بستن کارگران خاتون آباد و قتلهای زنجیره ای در دوره خاتمی (پلورالیسم سیاسی؟!) باید کافی باشد تا معلوم کند که مزخرفات کیهان حتی بدرد دعوای درونی خودشان هم نمیکورد. درد بیدرمان کیهان و دیگر سردمداران این حکومت اینست که مردم ایران این حکومت را نمیخواهند و قصد بزیر کشیدن آنرا دارند و از آنطرف سوسیالیسم بعنوان تنها راه نجات مردم از فقر و فلاکت و جهنم و توحش اسلامی هر روز بیشتر از قبل در دل مردم جای گرفته است و در این میان حزب کمونیست کارگری به امید محرومان، به ظرف اتحاد کارگران و مردم شریف، به نماینده انسانیت و آزادیخواهی و برابری طلبی، و به تنها پاسخ برای رهایی انسانها از توحش رژیم اسلامی سرمایه بدل شده است و باید قدرتمند تر بشود.

نگرانی داریوش همایون نیز با کیهان مشترک است، نگرانی از "سر بلند کردن کمونیستها" است. اما دلایل اظهار نگرانیها متفاوت است. نگرانی کیهان از بزیر کشیده شدن حکومت اسلامی و سرنگون شدن نظامشان است. اما نگرانی داریوش همایون اینست که پس از سرنگونی جمهوری اسلامی سرشان بی کلاه بماند. در واقع درد آنها مربوط به ۳۰ سال پیش است که از تخت افتاده اند و امروز که بار دیگر مساله قدرت سیاسی بجلو آمده است از سر بلند کردن کمونیسم نگرانند. نگرانی و بددهنی داریوش همایون و لیپچار گفتن وی علیه انقلاب البته از دو جنبه برجسته است. اول اینکه انقلاب ۵۷ رژیم شاه را بزیر کشید، و دوم، انقلاب کارگری و سوسیالیستی آینده در ایران کل بورژوازی را از تخت پائین میاورد و باین دلیل است که علیه کمونیستها و انقلاب اکتبر ناله سر میدهد.

آقای داریوش همایون در نوشته "زمینه های واقعی همراهی ملی" که اساسا درباره قسم خوردن ایشان به دمکراسی لیبرال و حقوق بشر است و

از صفحه ۱ پیشروی جنبش کارگری ...

مختلفی حول این موضوع طرح شد تا اینکه بالاخره در این پلنوم اخیر بصورت يك قطعنامه ارائه گردیده و باتفاق آراء به تصویب رسید.

بناظر من، شرایط سیاسی کنونی جامعه، شرایطی است که چنین قطعنامه‌ای را طلب می‌کند. اساس قطعنامه، تأکید بر حزب و سازماندهی حزبی است و ما از دو زاویه می‌توانیم به این مسئله نگاه کنیم. اول، از يك زاویه کلی و پایه‌ای بر مبنای جایگاهی که حزب و سازمان حزبی برای کمونیست‌ها دارد. قطعنامه به این نکته اشاره می‌کند که حزب و حزبیت برای ما کمونیست‌ها، در همان سطحی مطرح است که سوسیالیسم برای ما مطرح است. حزب برای ما هم ارز سوسیالیسم و مبارزه‌ای است که با کل نظام سرمایه داری داریم. در واقع، حزب همواره بعنوان يك ابزار اساسی و يك پیش شرط کاملاً حیاتی برای سرنگونی و امحای کل نظام سرمایه داری و رسیدن به سوسیالیسم برای کمونیست‌ها مطرح بوده و این قطعنامه هم بر همین نکته اساسی انگشت می‌گذارد. بنظر من، این اصل تا همینجا، به فعالیت‌ها و کل تبلیغات ما يك جهت گیری بسیار عمیق تر، مستقیم تر و صریح تر در رابطه با سازماندهی حزبی می‌دهد. لذا اصل اتکاء به حزب بعنوان يك اصل آرمانی، عقیدتی و پایه‌ای صرفاً يك اصل نظری نیست بلکه عملاً حزب را در محور پراتیک هر کمونیستی که قصد دارد بمنظور تغییر جهان مبارزه کند قرار میدهد. بندهای ابتدایی قطعنامه، بر همین نکته پایه‌ای تأکید می‌کند.

از جانب دیگر، برای ما و با توجه به شرایط سیاسی امروز ایران هم، این قطعنامه مهم و مطرح است. نکته مهم و اساسی این است که ما "حزب" را بعنوان پاسخی به سؤال مشخص "چه باید کرد" در این شرایط بیان آورده‌ایم. بنظر من، هم اکنون در جنبش کارگری، "حزب" و سازماندهی حزبی پیش شرط اساسی هر نوع پیشروی بیشتر است. تشکل‌های متفاوت و متعدد کارگری بوجود آمده، اعلام هویت کرده و بطور علنی فعالیت می‌کنند. رهبران عملی کارگری قدم به جلو

بروشنی می‌بینند. بطور کلی در چنین وضعیتی، حزبی لازم است که بتواند وظیفه رهبری و سازماندهی این مبارزه را بطرف انقلابی که کل این وضعیت را زیر و رو کند، به انجام رساند و آن حزب، حزب کمونیست کارگری است. حزبی که همواره بر انقلاب بعنوان تنها راه متمدنانه، ممکن و علنی برای تغییر وضعیت موجود - در برابر آلت‌رناتیوهای ارتجاعی مثل رژیم چنچ و حمله نظامی آمریکا یا تغییراتی در میان جناح‌های مختلف خود حکومت و اسلام نوع بدتر و بهتر و غیره - پافشاری کرده است. این حزب همیشه در مقابل این تشبثات و تحریفات ایستاده و انقلاب را بعنوان تنها راه واقعی، انسانی، عملی، متمدنانه و حتی مسالمت‌آمیز و با کمترین خشونت، معرفی کرده و پرچم اش را بلند کرده است و خوب، امروز هم می‌بینیم که جامعه دارد به همین طرف روی می‌آورد. در جنبش دانشجویی، در جنبش کارگری، در جنبش زنان و کلاً در مبارزه توده عظیم مردمی که از این وضع خسته شده اند و از جمهوری اسلامی متنفرند و می‌خواهند برکنار کنند. حرف این است که کل این جنبش سرنگونی را هم که در نظر بگیرد (که همانطور که گفتم مؤلفه‌های مختلف جنبش کارگری است و مبارزات زنان و جوانان و دانشجویان و کل مردمی که برای خلاصی از شر حکومت مذهبی به پا خواسته‌اند) و در این سطح هم که نگاه کنید، می‌بینید حلقه اصلی پیشروی این مبارزه اجتماعی، در کل، "حزب" و "حزبیت" است و بنابراین، علاوه بر آن مبنای اصولی و اهمیت‌ی که حزب برای کمونیست‌ها دارد، با توجه به شرایط امروز جامعه ایران هم، می‌بینیم که "حزب" بعنوان يك امر عاجل و حیاتی برای پاسخگویی به شرایط سیاسی امروز جامعه و نیز برای پیشروی هر چه بیشتر جنبش کارگری و کل جنبش سرنگونی (برای اینکه بتواند بلند شده و سازمان پیدا کند تا جمهوری اسلامی را سرنگون کند)، يك ضرورت است.

مسئله‌ای که مقابل ما قرار دارد، رشد و گسترش این حزب است. روی آوری مردم به این حزب و انتخاب اجتماعی‌اش بعنوان رهبر و سازمانده انقلاب، این، از جمله اقداماتی است که ما باید بسرعت متحقق کنیم تا جامعه بتواند از

شر جمهوری اسلامی خلاص شود و به آزادی، برابری و رفاه برسد.

نهیلا دانشمهر: حمید تقوایی، شما تأکیدات مهم این قطعنامه را توضیح دادید. این قطعنامه چه استنتاجات سیاسی معینی برای خود حزب دارد و چه اقداماتی را در دستور کار خود حزب قرار می‌دهد؟

حمید تقوایی: بله، قبل از هر چیز پرداختن به حزبیت و سازماندهی حزبی را در رأس وظایف حزب قرار می‌دهد. به این معنا که در سطح تبلیغی، در سطح روشنگری و ترویجی و بخصوص در سطح سازماندهی، جایگاه برجسته‌ای به "حزب" می‌دهد و ما باید بسیار مهم تر و فعال تر از گذشته، این مسئله را در دستور کار پراتیک مان قرار دهیم. يك بند این قطعنامه به این نکته اشاره دارد (و در بحث‌ها و پلنوم قبلی هم این موضوع را داشتیم) که يك نوع تلقی سنتی و خود بخودی از حزب و سازماندهی حزبی وجود دارد که آنرا نتیجه فعالیت‌های دیگر حزب می‌داند. اینطور فکر می‌کند و یا عملاً اینطور پراتیک میکنند که بدرجه‌ای که حزب تاکتیک‌هایش را بخوبی پیش ببرد یا هر چه بیشتر بتواند حقانیت سیاست‌ها و شعارهایش را نشان بدهد، در نهایت، این به نفوذ و قدرت تشکیلاتی هم منجر می‌شود و در نتیجه خودبخود حزب هم رشد خواهد کرد. بدین معنا، رشد حزب را نتیجه خودبخودی یکسری فعالیت‌های دیگر می‌داند. این دیدگاه سنتی هم در حزب ما وجود داشته و هم در کل جامعه و جنبش‌چپ. ما در مقابل این طرز تلقی می‌ایستیم و اعلام می‌کنیم که این برداشت کاملاً اشتباه است. همانطور که گفتم، وقتی بر حزب و حزبیت بعنوان يك اصل پایه‌ای نظری و عملی کمونیستی تأکید می‌کنیم، منظورمان این است که باید خود این اهمیت، ضرورت و مطلوبیت "حزب"، بطور مستقیم، صریح و بلاواسطه در صدر تبلیغات ما باشد. اجازه بدهید این مسئله را از زاویه دیگری بررسی کنیم. ببینید؛ ما کمونیست‌ها در آن دوره‌ای که يك حزب رادیکال سوسیالیستی در جامعه ایران وجود نداشت (در اوایل انقلاب پنجاه و هفت)، دور هم جمع شده و به این نتیجه رسیدیم که برای آنکه کارگران و توده مردم شریف و زحمتکش آزاد

شوند، حزب خودشان را لازم دارند. حزب کمونیست و بعد حزب کمونیست کارگری در ادامه این حرکت بوجود آمد. این حزب، هم اکنون مدتهاست دارد فعالیت می‌کند، نفوذ و گسترش پیدا کرده و مردم وسیعاً می‌شناسندش. الان دیگر لازم نیست که نسل امروز یا مردم (علی‌العموم) وقتی می‌خواهند قدم در مبارزه بگذارند، دوباره دور هم جمع شوند و به این فکر کنند که اول باید رفت و حزبی را درست کرد. این حزب وجود دارد. يك حزب سوسیالیست، انقلابی، انسانی و محبوب با امکانات وسیعی در جامعه وجود دارد و باید خود همین حزب را بطور مستقیم بمیان مردم برد. لازم نیست که کسی - به اصطلاح - دوباره چرخ را اختراع کند. این چرخ هست. این حزب وجود دارد. نسل گذشته، نسل انقلاب پنجاه و هفت این حزب را ساخته و امروز این حزب هر چه بیشتر نفوذ و گسترش یافته است و بنابراین، "حزب" در صدر فعالیت‌های ما، آگاهگری ما، سازماندهی و تبلیغات ما قرار می‌گیرد و باید بطور مستقیمی به مردم معرفی شود.

من بارها گفته‌ام و در این قطعنامه هم به این نکته اشاره شده است که همانطور که برای ما سوسیالیسم يك آرمان است و علیه كل نظام سرمایه داری مبارزه می‌کنیم، در همان سطح هم، تفرقه و پراکندگی برای ما مذموم است و تشکل (يك تشکل وسیع در برابر كل نظام سرمایه داری که به آن حزب گفته می‌شود) برای ما مهم و ضروری است. تشکل، حزب و حزبیت در همان سطحی برای ما مهم است که سوسیالیسم برای ما مهم و مطرح است. حزب و حزبیت صرفاً يك امر نظری نیست که - مثلاً - باید منتظر ماند تا بعد از موفقیت در یکسری فعالیت‌های سیاسی، تاکتیکی، جنبشی، مقطعی و کمپین‌ی، مردم خودشان به حزبیت برسند. این اشتباه است. این برداشت پروسه‌ای (حزب - پروسه) از حزب را باید کنار گذاشت. بنظر من، تا آنجا که به صفوف خود ما برمی‌گردد هم، يك مانع اساسی و مهم، همین تفکر و دیدگاه "تدریجی" از حزب و حزبیت است. باید این را کنار گذاشت. ما باید به هر کارگری که با ما تماس می‌گیرد و یا هر کسی که به يك گوشه‌ای از

از صفحه ۳ پیشروی جنبش کارگری ...

فعالیت‌ها و سیاست‌های ما تمایل نشان می‌دهد حرف اول مان این باشد که باید به حزب بپیوندد. کمونیسم امری متشکل است. کمونیسم انفرادی وجود ندارد. می‌تواند یک متفکر کمونیست انفرادی باشید اما اگر می‌خواهید برای تغییر دنیا، آستین بالا بزنید، مبارزه کنید و عملی انجام دهید، برای این عمل تشکلی و حزب لازم است. به همین دلیل، نخستین فراخوان ما به هر کسی که به هر گوشه‌ای از سیاست‌های ما روی می‌آورد و علاقمندی می‌شود، به هر کسی که فکر می‌کند چطور می‌توان جمهوری اسلامی را پایین کشید، به هر کسی که می‌پرسد چطور می‌توانیم این شرّ مذهب را از سر جامعه کم کنیم، این است که به حزب بپیوندد. پیام و فراخوان ما به هر کسی که می‌گوید من سکولار هستم، هر کسی که می‌گوید من مدرن هستم، هر کسی که می‌گوید من معتقدم باید مبارزه کرد تا یک زندگی مدرن و امروزی داشت، هر کسی که می‌گوید کارگر نه تنها باید دستمزد عقب افتاده اش را بگیرد بلکه اصولاً نباید استثمار شود، به هر کسی که دارد شعار می‌دهد "سرمایه از روز ازل نبوده، سرمایه دار حق تو را ربوده"، این است که به حزب بپیوندد. این حزب تشکیل شده برای اینکه هر کسی که به هر گوشه این نظم موجود معترض است، هر کسی که آزادی و برابری می‌خواهد و هر کسی که محور سیاستش "انسان" و انسانیت و حرمت انسانی است، بتواند به آن بپیوندد و این مبارزه را با نیروی هر چه بیشتری به پیش ببرد. این حزب از این نوع افراد تشکیل شده است.

شهلا دانشفرو: شما به نوعی به سوال بعدی من هم پاسخ دادید و با اینحال می‌خواهم بطور مشخص‌تری به آن بپردازم. استنتاجات سازمانی و تشکیلاتی این قطعنامه برای ما چیست؟

حمید تقوایی: اجازه بدهید من بطور مشخص‌تری بر روی جنبش کارگری متمرکز بشوم اگر چه این جهت‌گیری در مورد جنبش‌های دیگر اجتماعی هم صادق خواهد بود. ببینید؛ حزب ما در جنبش کارگری بسیار فعال بوده و همواره در چند سال اخیر (حالا اگر نخواهیم از همان روز اول بررسی کنیم) و بخصوص بعد از مبارزه کارگران شرکت واحد، می‌بینید که حزب از طریق همین تلویزیون و با تمام امکاناتی که در اختیار داشته، بطور وسیعی در جنبش‌های روزمره کارگری درگیر و دخیل بوده است. در مبارزات کارگران نساجی ما همینطور بوده، در "هفت تپه" همینطور بوده و در مبارزات کارگران "کیان تاپر" هم همینطور بوده است. در هر دوره‌ای که اعتصابات کارگری به نقطه‌ای از اوج رسیده است، دیده ایم که روی آوری کارگران و فعالین عملی جنبش کارگری در آن اعتصاب و مبارزه مشخص به حزب بالا رفته، وسیع‌تر شده و حتی کارگران در برنامه‌های زنده تلویزیونی با ما تماس گرفته، در ارتباط نزدیک‌تر با ما قرار گرفته و رهنمود خواسته‌اند. این مسئله در مراسمی مثل اول ماه مه و یا در دیگر مناسبتها هم صادق بوده است. بطور مشخص در کمپین‌ها برای آزادی زندانیان سیاسی و آزادی کارگران زندانی هم (که جنبه بین‌المللی پیدا کرد) و در جلب حمایت کارگران جهان حزب نقش فعالی ایفا کرد. ما این تجربیات را داریم و با اینحال، مسئله‌ای که امروز در مقابل ما قرار گرفته، این

است که در آن تجربیات و در آن مبارزات، آنطور که باید و شاید، ما نمی‌رفتیم شبکه حزب را سازمان دهیم و سازمان حزبی را گسترش بدهیم. ما باید به هر کارگری که با هر اعتصاب معینی بطرف ما می‌آید، این نکته را نشان دهیم که ما درگیر یک جنگ سراسری و طبقاتی با سرمایه داری هستیم. ما برای کارگران صریح و روشن توضیح نمیدادیم که این اعتصاب معین مثلاً در کیان تاپر یا هفت تپه یا شرکت واحد یا نساجی کاشان یا سندانج یا پردیس کردستان و غیره، فقط یک نبردی است از یک جنگ سراسری‌تر و اگر شما می‌خواهید در این جنگ پیروز شوید، باید به ارتشی که این جنگ را به پیش می‌برد، یعنی به صف حزب کمونیست کارگری، بپیوندد.

همین بحثی که الان اینچنین بنظر ساده، سراسر است و روشن می‌آید، در فراخوان‌ها و تبلیغات ما غایب بوده است و (همانطور که گفتیم) ما فکر می‌کردیم و یا عملاً به دنبال این بودیم که اگر حقانیت حزب را در یک اعتصاب و مبارزه معین نشان بدهیم، آزمون، این خود بخود به نفوذ و گسترش و روی آوری به حزب منجر می‌شود. بنظر من، اینچنین نمی‌شود یا اگر بشود، راندمانش بسیار پایین و ضعیف است. ما نمی‌توانیم رسیدن به حزب و حزیت را به استنتاجات خود بخودی توده کارگر یا حتی رهبران عملی کارگری که بطرف ما می‌آیند، واگذار کنیم و بگوییم اگر آنها فعالیت حزب را در - فرض کنید - حمایت بین‌المللی از جنبش شرکت واحد دیدند یا در مبارزات نساجی‌ها یا در هر عرصه دیگری دیدند، خود بخود به اینجا می‌رسند که پس باید جنگ را با سرمایه داری ادامه داد، این یک جنگ طبقاتی است، حزب کمونیست کارگری درگیر این جنگ است و باید به این حزب پیوست. بله، ممکن است یک درصد قلیلی از کارگران به اینجا برسند اما ما نمی‌توانیم حزب و حزیت را به درک خود بخودی توده کارگری که حقانیت تاکتیکی ما را پذیرفته است، واگذار کنیم. باید بطور مستقیم، صریح و بلاواسطه، اهمیت استراتژیک "حزب" را هم مطرح کرد. در دل آن مبارزه معین، در کنار گفتن اینکجه مثلاً برای پیروزی مبارزات کارگران هفت تپه، خیلی خوب است که خانواده

های کارگران هم بسیج شوند و به میدان بیایند (که همیشه فراخوان ما این بوده و در بسیاری مواقع هم موفق بوده ایم) و در کنار این فراخوان، باید این را هم گفت که شما و خانواده تان، حزبتان را بشناسید. حزب کمونیست کارگری هست برای اینکه کل سرمایه را بر بیاندازد. امروز دارید علیه بیکاری یا برای دریافت دستمزدهای عقب افتاده و یا برای افزایش حداقل دستمزد مبارزه می‌کنید اما بدانید که این جنگ با این نبرد تمام نمی‌شود و حتی اگر در این نبرد پیروز شوید، استثمار سر جایش هست، بی حقوقی سر جایش هست، این بختک مذهب بر سر جامعه سر جایش هست، دخالتش در زندگی مردم و کارگران هست و نابرابری بین زن و مرد هم سر جایش هست. کارگر هم عضوی از جامعه است و سرمایه داری هم فقط در کارخانه‌ها نیست؛ در کل عرصه اجتماع است که سرمایه داری طبقه کارگر را به بند کشیده، استثمار می‌کند، حقوقش را زیر پا له می‌کند و یک زندگی مادون شأن انسانی را به آن تحمیل می‌نماید. باید این نکته را در دل هر اعتصابی بطور صریح به کارگر یادآور شد و گفت که باید به این حزب بپیوندد. این، یک حزب سیاسی است و جواب طبقه کارگر به این شرایط، در نهایت، یک جواب سیاسی است. با مجمع عمومی، با اتحادیه، با این یا آن تشکل توده‌ای کارگری، هر اندازه هم که رادیکال باشد، نمی‌توان جواب سیاسی بورژوازی را داد. باید در مقابل کل این سیستم، یک مبارزه سیاسی را به پیش برد و ستاد این مبارزه، حزب است.

ما باید از این پس این نکته را متوجه باشیم که در سازماندهی مان در دل مبارزات جاری کارگری، باید یک شبکه‌ای از فعالین کمونیست حزبی را بوجود بیاوریم. نه تنها پیشروی مبارزه سیاسی علیه جمهوری اسلامی بلکه حتی پیروزی همین مبارزات معین جنبش‌ها برای مطالبات و خواست‌های اقتصادی شان و حتی پیشروی جنبش کارگری، در گرو "حزیت" است. بنظر من، جنبش کارگری، امروز دیگر همان اندازه قوی خواهد بود که حزبی بوده باشد. طبقه کارگر نمی‌تواند فقط در قلمرو مبارزات مطالباتی - صنفی محدود بماند و فکر کند که دارد جلو می‌رود، بالاخره حدی دارد. ممکن

است دو اعتصاب را پیروز شود و سه اعتصاب را شکست بخورد. عقب‌برود و جلو بیاید اما باید بدانند که شرّ جمهوری اسلامی با اینها کم نمی‌شود و درد طبقه کارگر، یک درد عمومی است که اکثریت عظیم مردم جامعه در آن شریکند و طبقه کارگر می‌تواند و باید در صف مقدم مردم علیه نظام موجود باشد. همانطوریکه مردم در انقلاب پنجاه و هفت با شعار "کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما" از اعتصاب کارگران نفت حمایت و استقبال کردند، امروز هم همان شرایط برقرار است. اکثریت عظیم جامعه، کل مردم زحمتکش، کل مردم بی حقوق و زنان و جوانانی که یک زندگی شاد، انسانی و برابر می‌خواهند، کل مردم شریفی که می‌خواهند از این بختک و تابوی جمهوری اسلامی خلاص بشوند، بالقوه متحد و همراه کارگران هستند و اگر طبقه کارگر با حزب خودش در مرکز سیاست ظاهر شود، و حرکت کند جامعه را بدنبال خودش خواهد کشید. به این دلیل است که من فکر می‌کنم جنبش کارگری باید سیاسی بشود، باید حزبی بشود و باید یک شبکه حزبی گسترده در دل مبارزات کارگری بوجود بیاید.

همانطور که گفتیم، همین بحث در مورد مبارزات جنبش‌های دیگر هم صادق است. در مورد جنبش دانشجویی، جنبش زنان و در واقع در مورد تمام آن جنبش‌های اعتراضی که امروز در جامعه شاهدشان هستیم. جنبش علیه اعدام، جنبش برای دفاع از حقوق کودک، جنبش علیه قصاص، جنبش برای سکولاریسم و مدرنیسم، در تمام این جنبش‌ها و در تمام این عرصه‌ها، حزب بعنوان پاسخ سیاسی به وضعیت موجود، از اهمیت و مبرمیت برخوردار است. از نظر سازمانی وظیفه ما این است که شبکه حزبی را در سطح هر چه وسیع‌تری در بین کارگران، در میان جوانان، زنان و اقشار مردم جامعه، گسترش داده و ایجاد کنیم. این، یک پیش شرط اساسی برای پیشروی، شکل دادن به انقلاب و در نهایت، سرنگون کردن جمهوری اسلامی است.

شهلا دانشفرو: حمید تقوایی، متشکرم که در این برنامه شرکت کردید.

حمید تقوایی: من هم متشکرم.

این مطلب را هادی وقفی
پیاده و تایپ کرده است.

از صفحه ۱ یک گام بزرگ به جلو

است. همین دو وجه است که در دانشگاه قدرت بسیج دارد، عامل اتحاد وسیع دانشجویان است و از طرف دیگر این مبارزه را به مبارزه مردم برای رهایی از اوضاع مشقت بار کنونی پیوند میزند و موجب رشد، استحکام، تداوم، و قدرت خود میشود. آسه برو آسه بیای روسای تحکیم وحدت که حراست و بسیج تحریک نشود! و به حاکمیت هم برنخورد! و اوضاع هم از کنترلشان خارج نشود، یا آن چند نفر قوم پرست کرد که با هویت ارتجاعی قومی و ناسیونالیستی و نه هویت انسانی عرض اندام کردند، نه توده دانشجویان نمایندگی میکرد و نه مردم به جان آمده را، اما مزاده حقوق بشر و دموکراسی هم، صرفنظر از اینکه نیروی جدی ای نه در جامعه و نه در دانشگاه پشت آن نیست، پاسخ هیچ چیز را ندارد و خواهان هیچ تغییری اساسی نیست. نیروی برای سرنگونی نیست، چه برسد به نیروی برای تحقق خواستههای عمیق اقتصادی و سیاسی مردم. شعارهای مرگ بر دیکتاتور و سید علی پینوشه ایران شیلی نمیشه که مستقیماً رهبر و یا رهبر و رئیس جمهور را نشانه گرفته بود، همراه با حمله به حراست و شکست درب دانشگاه، و خواستههای آزادیخواهانه و رادیکالی که بر پلاکاردهای تعدادی از دانشگاهها نقش بسته بود، خواست و خشم توده وسیع مردم دانشجویان را نمایندگی کرد و شور و شغف خاصی برای تداوم مبارزه به مردم و خود دانشجویان داد.

امروز بیش از هر زمان مبارزات دانشجویان با مبارزه مردم در بیرون دانشگاه، با مبارزات کارگران و جوانان و زنان عجین شده است. بر مبارزه مردم تأثیر مستقیم میگذارد و از آن تأثیر میگیرد. تأثیر البته کلمه رسائی نیست. امروز مبارزات دانشجویی بخشی جدانشدنی و تفکیک ناپذیر از مبارزه کل مردم برای سرنگونی و رسیدن به جامعه ای انسانی است. بحران و درماندگی و فساد تا مغز استخوان حکومت، فضای اعتراضی عمومی در جامعه، اعتصابات و مبارزات هرروزه بخشهای مختلف مردم، نفرت و نارضایتی عمیق اکثریت عظیم جامعه، و رشد شتابان افکار و ایده های سوسیالیستی در کل جامعه،

عامل مهمی در تداوم و گسترش مبارزات دانشجویی علیرغم سرکوب مستمر و تلاش متمرکز و سازمانیافته و هرروزه رژیم برای در هم شکستن این اعتراضات است. در دوره حکومت اسلامی، این رابطه هر سال تنگاتنگ تر شده است و روزهای شانزده آذر امسال اینرا بیش از هر زمان دیگری نشان میداد. تحکیم و تداوم و توده ای تر شدن این مبارزه نیز قبل از هرچیز به درک این رابطه و پاسخگویی به نیاز این مبارزه عمومی گره خورده است. هرچه شعارها و پلاکاردها، قطعنامه ها و سخنرانی ها، فراخوانها و جلب همبستگی ها و اطلاع رسانی ها، بیشتر نیازهای عمومی جنبش سرنگونی را، نیازهای فوری و تاکتیکی تا نیازهای استراتژیک آنرا، که در عین حال جدا از نیازهای مهم توده میلیونی دانشجویان منعکس کند، بیشتر مورد استقبال قرار میگیرد؛ هم توسط دانشجویان و هم توسط مردم بجان آمده، که بخشا همان خانواده های دانشجویان هستند و بیشتر بر توده میلیونی دانشجویان و هم مردم تأثیر میگذارد. اگر این مبارزه و خواستهها و شعارهای آن با جنبش اعتراضی وسیع مردم ربط کافی نداشته باشد، آنرا نبینند، قلبش با آن نزنند، آنرا منعکس و نمایندگی نکنند افق محدودی را نمایندگی میکند و ابعاد وسیعی بخود نمیگیرد.

در يك كلام امروز سوسیالیسم و جهتگیری سوسیالیستی است که متحد کننده و بسیج کننده است. علاوه بر خصلت عمیق و سازش ناپذیر سرنگونی طلبانه آن که مهمترین نیاز جامعه است و بیشترین قدرت اتحاد و بسیج توده ای را دارد، میتواند بر دردهای عمومی جامعه انگشت بگذارد و خواستههای بخشهای مختلف جامعه، کارگران، زنان و جوانان، را منعکس کند. رفع بیحقوقی زن، لغو جداسازی جنسیتی، لغو اعدام، دفاع از مبارزات و مطالبات کارگران، آزادیهای سیاسی و پایان دادن به سرکوب و اذیت و آزار دانشجویان و مردم، آزادی زندانیان سیاسی، کوتاه شدن دست مذهب از دانشگاه و از زندگی مردم، و... اینها خواستههای عمومی جامعه و خواستههای فوری توده دانشجویان است که سر پل رابطه

دانشگاه و مردم، رابطه اعتراضات دانشجویی و جنبش سراسری و توده ای برای عقب راندن و سرنگونی حکومت است. این جهتگیری است که به توده دانشجویان انگیزه میدهد به میدان بیاید و خطر کند. امکان میدهد که حمایت و همبستگی مردم را جلب کند. و اینها شعارهای جنبش معینی است. اینها شعارهای جنبش ناسیونالیستی و جریانات حاشیه رژیم و حقوق بشری ها و دموکراسی طلبان نیست. اینها شعارهای قدیمی و جا افتاده جنبش سوسیالیستی است که بیشترین قدرت بسیج را دارد. بدون این نوع شعارها امروز نه مردم را میتوان بسیج کرد و نه توده دانشجویان را. و از طرف دیگر، آزادی، برابری زن و مرد، يك حکومت سکولار و خلاصی از دخالت مذهب و همه خواستههای آزادیخواهانه و عدالت طلبانه مردم از جمله توده دانشجویان تنها با انقلاب کارگری و در يك حکومت کارگری متحقق میشود. آلترناتیوهای دیگر نه میخوانند و نه میتوانند و نه حتی وعده تحقق این مطالبات را میدهند. بنابراین از هر نظر که نگاه کنی، این جنبش سوسیالیستی است که به نیازهای پایه ای و مشترک بخشهای مختلف مردم و دانشجویان میتواند پاسخ دهد و بنابراین میتواند به میدان بیآورد.

يك نکته را اینجا باید بیشتر توضیح داد. يك تفاوت مهم امروز با زمان شاه و یا حتی سالهای اول حاکمیت رژیم اسلامی، این است که امروز توده میلیونی دانشجویان از طبقه کارگر و حقوق بگیران پائین جامعه هستند و حتی پس از پایان تحصیلات نیز دستیابی به شغل و يك زندگی انسانی برایشان عملی نیست. توده دانشجویان آزادی و رفاه و عدالت میخواهد و اینرا جنبش دیگری غیر از جنبش سوسیالیستی نمایندگی نمیکند و نیروی دیگری قادر به تحقق آن نیست. نتیجتاً، سوسیالیسم و خواستههای سوسیالیستی و ضد سرمایه و تبعیض، همانطور که طبقه کارگر را به حرکت درمیآورد، توده دانشجویان را هم به حرکت در میآورد. بویژه دانشجویان بدلیل سر و کار داشتن با فعالیت فکری بیشتر، خیلی سریع آنرا جذب میکنند و جهت میگیرند. امروز بیش از هر زمان فرزند دانشجویان با پدر و مادر و

خانواده يك سلول بهم آمیخته فکری مبارزاتی را تشکیل میدهند. دانشجویان و خانواده با هم در خانه و در دانشگاه فقر و محرومیت و بیحقوقی را تجربه میکنند و علیه آن به حرکت درمیایند. این از یکطرف اهرم قدرتمند به میدان آمدن توده وسیع دانشجویان است و از طرف دیگر بیش از هر زمان شرایط مشترک، دردهای مشترک، مشغله های مشترک، و زمینه های فکری و سیاسی مشترک دانشجویان و خانواده هایشان را بیان میکند. به عبارتی دردها و مسائل مشترکی امروز دانشجویان و خانواده اش را به حرکت و موضعگیری و مبارزه میکشاند و این باید مورد توجه دانشجویان سوسیالیست و کمونیست قرار داشته باشد.

۲- يك مانع بزرگ در مقابل اعتراضات دانشجویی، نهادها و ارگانهای سرکوب در درون دانشگاهها است. حراست، کمیته های انضباطی، بسیج دانشجویی! و گیت های امنیتی، ادامه وزارت اطلاعات و نیروهای انتظامی در درون دانشگاه هستند و يك خواست مبرم دانشجویان جمع شدن بساط اینها است. شبیه این نهادها در کارخانه ها و ادارات نیز به شغل مشابه مشغولند و به اذیت و آزار و کنترل و پاپوش دوزی علیه کارگران و کارمندان مشغولند. به این معنی سایر بخشهای جامعه هم با گوشت و پوست خواست برجیدن بساط این نهادها و پایان دادن به احضارها را میفهمند و به آن سمپاتی دارند، چون خواست خودشان هم هست. همین نهادها هستند که علاوه بر جاسوسی و احضار دانشجویان، امر جداسازی جنسیتی را نیز در دستور دارند. اینها مهمترین مانع دانشجویان برای داشتن فضای بدون کنترل و اذیت و آزار روزمره، بدون احضار و بدون دخالت روزمره در مناسبات میان دانشجویان هستند. اینها سد بزرگی در مقابل شکل دادن به تجمعات و اعتراضات و تشکلهای دانشجویی هستند. روی این خواست باید مدام تمرکز داشت و جنبش قدرتمند و ادامه داری را علیه آن سازمان داد. خفت دادن و تحقیر روزمره و لحظه به لحظه دانشجویان و دخالت هرروزه در پوشش و رابطه دختر و پسر و کنترل هر تحرك دانشجویان، قدرت بسیج توده ای دارد و هر درجه توده دانشجویان علیه آن حرکت کند و آنرا به عقب براند فضا را برای پیشروی بیشتر

خود آماده میکند. بعلاوه اینرا میتوان و باید به خواست عمومی جامعه تبدیل کرد. باید خانواده های دانشجویان و مردم را در این خواست بحق دانشجویان فعال کرد و علیه این تحقیر و رفتارهای بیشرمانه و پستی که با آنها میشود شریک کرد. حراست و ارگانهای سرکوب در دانشگاه و کارخانه و اداره باید جمع شود. این خواست مشترک بخشهای مختلف جامعه است، متحد کننده و بسیج کننده است و همبستگی عمومی ایجاد میکند. در سطح بین المللی نیز این موضوع را باید به اهرم فشاری علیه حکومت اسلامی تبدیل کرد. میتوان افکار عمومی مردم و نهادهای مدافع حقوق انسان را نسبت به این مساله بیشتر آگاه کرد و نیروی آنها را دوش به دوش مبارزه دانشجویان به میدان آورد. این وجه مهمی از مبارزه عمومی برای عقب راندن حکومت است.

۳- يك نقطه قوت مهم دانشجویان پتانسیل بالا برای دست زدن به اعتراضات سراسری در دانشگاهها است. دانشجویان در دانشگاههای مختلف در تمام طول سال درگیر مبارزه اند. متحد کردن این مبارزه و حرکت یکپارچه و نقشه مند در سراسر کشور، عملی است و در مقطعی از جمله شانزده آذر نیز بدرجات عملی شده است. این البته نیاز به تشکلی دارد که در دانشگاههای مختلف ریشه دوانده باشد. در ادامه بحث به مساله تشکل خواهم پرداخت. اما تا آنجا که به اهمیت مبارزه سراسری مربوط میشود، تنها با يك مبارزه سراسری میتوان قاطعانه به مقابله با سرکوبها برخاست و تنها چنین مبارزه ای است که قادر است برخی از خواستههای خود را با قدرت به کرسی بنشاند. جمهوری اسلامی نیز وامانده تر از آن است که بتواند با جنبش سراسری در دانشگاهها مقابله کند. چنین مبارزه ای در عین حال پتانسیل پیوستن وسیع مردم و شکل دادن به هیجده تیرهای بسیار پر قدرت تر از هیجده تیر ۷۸ را دارد.

۴- کانال جدید بلندگویی برای این جنبش است و سهم مهمی در جهت دادن، به حرکت درآوردن، بردن خواستهها و مطالبات دانشجویان به میان مردم، رساندن صدای دانشجویان به مردم و جلب همبستگی مردم و خانواده های

از صفحه ۱ در مقابل قانونی کردن ...

جمهوری اسلامی عبارت است از:
قرارداد کار به یکی از طرق زیر خاتمه می‌یابد:

- الف. فوت کارگر
 - ب. بازنشستگی کارگر
 - ج. از کارافتادگی کلی کارگر
 - د. انقضاء مدت در قراردادهای کار با مدت موقت و عدم تجدید صریح یا ضمنی آن و - استعفای کارگر
- بنا به گزارش بند (ز) که به مفاد ماده ۲۱ اضافه شده است به شرح زیر است:

"کاهش تولید و تغییرات ساختاری در اثر شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و لزوم تغییرات گسترده در فن‌آوری مطابق با مفاد ماده (۹) قانون بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور".

بدین ترتیب با اضافه شدن این بند رسماً و قانوناً دست کارفرمایان باز خواهد بود که هر گاه که اراده کنند به بهانه کاهش تولید و تغییرات ساختاری در اثر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، قراردادهای کار کارگران را خاتمه دهند.

نکته جالب اینجاست که جهرمی وزیر کار در این مورد اذعان میکنند که این مصوبه قانون جدیدی نیست، بلکه در قوانین توسعه صنایع و رسیدگی به صنایع مختلف در ساختار صنایع وجود داشته و به آن عمل میشده است. به این معنی که بنا به مصوبه شورای عالی کار، ساختار یک‌بنگانه اقتصادی می‌تواند تغییر کند و کارفرما میتواند بخشی از نیروی کار خود را از کار برکنار کند. در همین رابطه او میگوید: "در مصوبه اخیر مجمع تشخیص مصلحت نظام سعی کردند که به جای اینکه این کار به صورت مرکزی توسط شورای عالی کار اجرا شود در استان‌ها توسط استانداری‌ها و نماینده‌های دیگر عمل شود و این اصلاحیه نشان می‌دهد که به صورت استمرار خواهد بود". او همچنین اشاره میکند که آنچه که تحت عنوان بند (ز) تصویب شده است قبلاً در دوره‌های ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی برای اصلاح ساختار صنایع

اعتصاب محروم کرده است، باید کلیت آنرا به زباله‌دان تاریخ انداخت.

واقعیت اینست که سالهاست که کارگران در ایران مورد بیشترین تهاجمات قرار دارند. دستمزدشان برای ماهها و حتی بیش از یکسال پرداخت نمیشود و از کوچکترین ایمنی شغلی محرومند، اما اتفاقی که امروز افتاده است در واقع اینست که با اضافه شدن بند (ز) به ماده ۲۱ قانونی کار جمهوری اسلامی و باز کردن افسار کارفرما در اخراج کارگران، تعرضی دیگر به کارگران و به کل جامعه در دستور قرار گرفته است و باید این تعرض را به عقب زد. باید در مقابل کل قانون کار جمهوری اسلامی ایستاد و اعلام کرد که تشکل، اعتصاب حق مسلم ماست. آزادی بیان و عقیده حق مسلم ماست و ما به این بردگی تن نخواهیم داد. باید با برپایی مجامع عمومی و انتخاب نمایندگان خود متحد و یکپارچه در برابر این بیشرمی ایستاد.

نکته آخر اینکه بطورواقعی سالهاست که رابطه کارگران و مردم با این رژیم را قوانین ارتجاعی اسلامی آن تعیین نمیکند و ما شاهد یک جدال هر روزه کارگران و مردم با این رژیم هستیم. مردم سالهاست که حکم به رفتن و نابودی این رژیم داده اند. به همین اعتبار قانون کار جمهوری اسلامی نیز هیچگونه مشروعیتی برای کارگران ندارد. این را باید به صدای بلند به سران این رژیم و مزدوران خانه کارگر و شوراها و اسلامی نیز که با برپا کردن جنجال بر سر اصلاحات قانون کار، تلاش دارند اعتراض کارگران را به دفاع از قانون کار کنونی جمهوری اسلامی بکشانند، اعلام داشت. با شعار "شوراها و اسلامی منحل باید گردند" باید این تشکل‌های دست ساز دولتی را از سر راه مبارزه خود برداشت. باید به رژیم و همه اعوان و انصارش اعلام داشت که ما در مقابلتان خواهیم ایستاد. در یک کلام باید این رژیم را با قوانین ارتجاعی اسلامی اش به زباله‌دان تاریخ انداخت. *

از صفحه ۵ یک گام بزرگ به جلو

دانشجویان با آنها ایفا میکنند. یک رکن مهم توده‌ای کردن، سراسری کردن، و قدرتمند کردن یک مبارزه، مطلع کردن کل جامعه و بردن آن به درون جامعه است. کانال جدید یک ابزار مهم این مبارزه و یک نقطه قوت مهم دانشجویان و مبارزه آنها است و دانشجویان پیشرو باید فعالانه و با نقشه از این امکان برای پیشبرد مبارزه خود استفاده کنند.

۵- و بالاخره تبدیل این مبارزه به یک مبارزه متشکل، توده‌ای و سراسری، مبارزه‌ای که نبضش با مبارزه عمومی مردم برای سرنگونی بطقه، مانند هر مبارزه دیگری، به حزب سیاسی نیاز دارد. حزبی که مبارزه رادیکال و آزادیخواهانه دانشجویان را در سطح جامعه نمایندگی کند، با متشکل شدن و هدایت آن کمک کند، با توطئه‌های مقابل آن مقابله کند و گرایشات مقابل آنرا بکوبد و تضعیف کند.

رژیم تلاش میکند به موازات سرکوب، این مبارزه را به دانشگاه و یک مبارزه صنفی در چهارچوب قوانین حکومتی، و یا لاقط در چهارچوب قابل قبول تری و یا کمتر خطرناکی، محدود کند تا راحت‌تر آنرا منزوی و حاشیه‌ای و نهایتاً سرکوب کند. خامنه‌ای هم در سخنرانی‌اش در دانشگاه، به حضار بسیجی و اوپاش چماق‌دارش در مورد سیاسی حزبی نشدن این مبارزه هشدار داد! خاتمی هم تاکیدش همین بود. اما تلاش برای صنفی کردن و غیرحزبی کردن این مبارزه فقط به رژیم محدود نیست. برخی محافل اپوزیسیون هم همین جهت را دنبال میکنند. میگویند دانشجویان نباید وظیفه جنبش کارگری و زنان و سایر جنبشها را بعهده بگیرند، میگویند حزبی کردن جنبشها به آنها لطمه میزند. منظورشان این است که بار ضدرژیمی و شعارهای ضدرژیمی را نگذارید وارد اعتراضات شود، از احزاب دوری کنید، از حزب کمونیست کارگری دوری کنید، دفاع از کارگر را به خود کارگر واگذار کنید. الان وقت این شلوغ کاریها نیست! دوره عقب نشینی است! و با دوره کار روتین و محدود است!

اینها، هرکدام از زاویه‌ای می‌خواهند همه نقاط مثبت این مبارزه را از آن بگیرند. دانشجویان سوسیالیست و رادیکال باید قاطع و پیگیر با این گرایش مقابله کنند. کافی است که

دانشجو از کارگر و مطالبات کارگر حمایت نکنند، علیه اعدام و جداسازی حرفی نزنند، خواست توده مردم برای بزیر کشیدن حکومت را به هر شکل و زبانی که در توان خود میبینند نمایندگی نکنند تا برای خودش در چهاردیواری دانشگاه سرگرم باشد! و به همان چهاردیواری محدود بماند، به یک موجود بی خاصیت تبدیل شود و نهایتاً به تمامی سرکوب شود.

این دوره، دوره بیشترین تلاطم‌های سیاسی در جامعه است. حکومت در اوج بحران و غرق در فساد و جامعه در کوران مبارزه می‌سوزد. روی آوری به کمونیسم با سرعت بیشتری در میان جوانان و کارگران و مردم زحمتکش ادامه خواهد یافت و زمینه برای به حرکت درآوردن و متشکل کردن توده‌های وسیع دانشجویان همیشه مهیاتر خواهد شد. بخش رادیکال و سوسیالیست جنبش دانشجویی باید خود را آماده ایفای نقش مهمتری بکند. لازمه اینکار مرزبندی هرچه عمیقتر و همه‌جانبه‌تر با تصورات سنتی، با گرایشات فرقه‌ای و مرزبندی عمیق با گرایش غیرحزبی و غیر سیاسی است. متشکل شدن وسیع دانشجویان دانشگاه‌های مختلف در حزب کمونیست کارگری کلید سراسری و متشکل شدن این مبارزه است. یک اهرم مهم شکل دادن به تشکل سراسری و توده‌ای دانشجویان است. کلید تبدیل شدن دانشگاه به یک سنگر تعیین کننده جنبش سوسیالیستی و تاثیرگذاری عمیق و قدرتمند بر فضای سیاسی جامعه است. دانشگاه بین چپ و راست انتخابش را کرده است اما این انتخاب تنها با تحزب کمونیستی کارگری به سرانجام خود میرسد. این قدم را باید قاطعانه برداشت و با همه موانع ذهنی مقابل آن بشدت جنگید.

اوضاع سیاسی کنونی فرصت بزرگی در مقابل دانشجویان کمونیست و آزادیخواه قرار داده است. قالب‌های تاکنونی و برخی مشغله‌ها و روشها پاسخگویی این وضعیت نیست، باید آنها را کنار گذاشت تا اعتراضات آزادیخواهانه دانشجویان جایگاه شایسته خود را در جنبش آزادیخواهانه مردم برای سرنگونی حکومت اسلامی پیدا کند. *

اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

گردهمایی علیه قتل‌های ناموسی در آلمان

از صفحه ۲ وحشت از کمونیسیم ...

شکنجه و قتل کمونیست‌ها و انقلابیون و آزادیخواهان را در پرونده دارد و جامعه را به گورستان آریامهری بدل کرده بود اکنون از "توتالیتیر" حرف میزند! بلحاظ اقتصادی و رفاه جامعه نیز نه فقط پرونده حکومت قبلی اینها، بلکه حرفهای همین آقای همایون و دوستان وی پس از سرنگونی رژیمشان درباره اینکه اگر بیمه بیکاری به مردم داده شود مردم تنبل میشوند و یا اینکه مردم ایران برای سالها باید ریاضت اقتصادی بکشند تا ایران آباد شود، باندازه کافی تصویر جامعه تحت حاکمیت اینها را بنمایش میگذارند که تفاوتی با جمهوری اسلامی ندارد. یعنی فقر و فلاکت برای اکثریت عظیم مردم و شرتهای کلان اینبار برای سرمایه داران و درباریان شاه پرست یا لیبرال دمکرات. و همین امروز هم که دستشان بجائی بند نیست علیه شورا و حکومت مستقیم مردم شاخ و شانه میکشند و نشان میدهند که تصویر خیالیشان از حکومت لیبرال دمکراسی در بهترین حالت مشابه ترکیه و پاکستان است. و معلوم نیست بجز بخشی از طبقه سرمایه دار و سرهنکهای آنزمان و کسانی که فکر میکنند مردم رعیت هستند و لذا به شاه نیاز دارند کی سر را بطرف این شاه پرستان تازه دمکرات شده برمیگرداند؟ کارگران و مردم شریف و آزادیخواه ایران اینبار میخواهند خودشان سرنوشت خود را بدست بگیرند و اساس تولید و حرکت و سازمان جامعه بر مبنای نیازمندیهای انسان و آزادی و برابری و رفاه باشد. این دلیل واقعی روآوری جامعه به حزب کمونیست کارگری است و خواست توده میلیونی مردم را نمیشود پس زد.*

ضمنا در بحث مخالفت با فدرالیسم یادش نمرود که تیغ تمامیت ارضی را نشان بدهد، بناگهان در انتهای نوشته اش علیه انقلاب و کمونیستها آتش میگیرد. انقلاب ۵۷ را "تکبیت انقلاب" مینامد و انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ را "انقلاب-کودتا" و شوراها را انقلاب اکتبر هم که از نظر وی شیوه خلقی داشته اند زمینه ساز "استالینیسم" شده اند، و بالاخره بددهنی علیه کمونیستها و لیچارهایی از قبیل "متحد تاکتیکی توتالیتیر در کاخ ولایت فقیه".

عصیبت داریوش همایون البته قابل درک است. حکومت اینها را مردم پائین کشیدند، سیاست رژیم پنج آمریکا که امید اینها در دوره ای برای بازگشت بقدرت بود از بین رفت و بعدا اعلام کردند که در صورت حمله آماده اند که کنار جمهوری اسلامی بایستند. در دوره ای که هنوز خاتمی نزد اپوزیسیون طرفدار حکومت معتبر بود از آن دفاع کردند، اما خاتمی هم کنار رفت. تمام این آرزوها بیاد رفت و تازه تشمت گروههای مختلف سلطنت طلب را هم اضافه کنید. و اکنون که قدرت کمونیسیم و چپ انقدر بر روح و روان و فیزیک سیاسی این جریان کهنه و متعلق به گذشته فشار آورده است چه چیزی بجز تبلیغات کهنه و نخ نمای پنتاگون علیه کمونیستها و انقلاب میتوانند بگویند؟ دمکراسی لیبرال که کوس رسوائی آن جهان را برداشته است تازه به قبله اینها بدل شده است. عقب ماندگی این جریان و بی ربطی آن به خواست و امیال آزادیخواهان مردم ایران نیازی به اثبات ندارد. و از طرف دیگر اشاره اینها به توتالیتیر دیگر تماما مصداق این مثل است که برعکس نهند نام زنگی کافور. جریانی که حکومت آن ساواک و

امروز صبح روز سه شنبه ۱۶ دسامبر ۲۰۰۸ تظاهراتی علیه قتل‌های ناموسی در مقابل دادگستری عالی شهر هامبورگ برگزار شد. مورسال عبیدی دختر ۱۶ ساله ای از



قتلهای ناموسی در آلمان، شدند. نازنین برومند در صحبت خود سازمانها و جریانات اسلامی را به شدت مورد حمله و انتقاد قرار داد و گفت که اگر ما میخواهیم با قتل‌های ناموسی مقابله کنیم و جلوی این جنایات را بگیریم این کافی نیست که تنها برادر مورسال در این دادگاه محاکمه شود. ما امیدواریم که قاتل مورسال به مجازات لازم برای چنین عمل شنیعی محکوم شود. اما ما باید انگشتانمان را رو به مسئولین اصلی این قتل‌ها نشان بگریم و باید با ریشه قتل‌های ناموسی مقابله بکنیم. این اعمال ریشه در افکار عقب مانده مذهبی دارند که شبانه روز با پشتیبانی مستقیم و غیر مستقیم دولت آلمان در مساجد و در سازمانهای ریز و درشت اسلامی در آلمان رواج داده میشوند.

نازنین برومند همچنین در سخنان خود گفت که ما خواهان حقوق انسانی برای همه مردم هستیم بدون توجه به مذهب، فرهنگ و ملیت آنها. دولت آلمان و وزیر داخله آن آقای شویله به جای یک برنامه انتگراسیون سکولار برای مهاجرین، "کنفرانس اسلام" را دو سال است که تشکیل داده و در حال آنتگره کردن

خانواده افغان در ماه مه به دست برادر خود در مقابل چشم مردم در شهر هامبورگ به قتل رسید و کسی به داد و فریادهای او نرسید. رسیدگی به این قتل، امروز در هامبورگ شروع شد. به این مناسبت از چند هفته پیش تظاهراتی از طرف سازمان حقوق بشر برای زنان (ته ره ده فام) فراخوان داده شد. نازنین برومند به عنوان سخنگوی کمپین علیه قتل‌های ناموسی و عضو سازمان اکس مسلم یکی از سخنرانان این گردهمایی در مقابل دادگاه هامبورگ بود. از دیگر سخنرانان این میتینگ، جامعه شناس سرشناس و فعال حقوق زن نجلا که لک، و همچنین زیبایی شرایبر سخنگوی سازمان ته ره ده فام بودند.

برنامه با خواندن آوازی از طرف یک زن هنرمند به این مناسبت، آغاز شد. پس از آن به ترتیب زیبایی شرایبر، نجلا که لک و نازنین برومند سخنرانی کردند و همه در صحبت‌های خود خواهان دخالت دولت برای مقابله با این عمل شنیع یعنی

هاتون را هرگز فراموش نکنید

کمپین علیه قتل‌های ناموسی

۱۶ دسامبر ۲۰۰۸



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



صدای مردم در کانال جدید

پیام دانشجویان: حکومت اسلامی نمیخواهیم برنامه ای از کیوان جاوید

سلام کیوان جان، مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی و برابری زنده باد سوسیالیسم. ۱۶ آذر نشان داد که عمر این رژیم بسر رسیده و حریف دانشجویان نشدند و با این امیدی که مردم گرفتند و با این رهبری حزب و کانال آزادی برابری طلبی که داریم بزودی این جنایتکاران را پایین میکشیم. کارگری از ایران

سلام آقا کیوان، من صمیمانه به دانشجویان مبارز درود میفرستم و از مبارزاتشان حمایت میکنم. کارگری از ایران

دانشجوی فارغ التحصیل و بیکارم و باید کارگری کنم. مرگ بر جمهوری اسلامی. افسوس میخورم که نتوانستم در اعتصابات باشم ولی بسیار امید گرفتم وقتی که صدای آنها را از کانال جدید شنیدم. فارغ التحصیل بیکار

سلام آقای جاوید. درود بر روان منصور حکمت، درود بر حزب کمونیست کارگری و کانال جدید و زنده باد دانشجویان مبارز و آزادیخواه و سوسیالیست. پیام این است که همه ما پشت این حزب هستیم. در انقلاب ۵۷ شعار میدادم که حزب فقط کمونیست رهبر هنوز معلوم نیست، اما الان حزبش هم معلوم است و رهبرش هم معلوم است. آرزوی ما این است که حمید تقوایی این بزرگمرد همچنان پشتیبان حزب باشند تا این حزب و کانال جدید تمام مردم شریف را آگاه کند و پرچم سوسیالیسم را بکمر تمام کارگران و فرهنگیان و دانشجویان و زنان قهرمان ایران عزیز برافرازیم. ما این چنایتکاران را اعدام نخواهیم کرد ولی در باغ وحش نگه خواهیم داشت تا نسلهای بعدی ایرانی و نسلهای بشری بدانند که چه موجودات پست و خونخوار و کثیفی را این مردم

مبارز تحمل کرده اند. مردی از اندیمشک

الو کیوان جاوید؟ درود بر حکومت سوسیالیستی، مرگ بر جمهوری اسلامی، درود بر دانشجویان مبارز و با امید به روزی که با رهبری حزب کمونیست کارگری شاهد پیروزی مردم باشیم. برای ما ثابت شده که قدرتی که این مردم دارند هیچ حکومتی نمیتواند حریفش شود اما بنابر تجربه ۵۷ حزبی نداشتیم اما اینبار داریم و مردم خودشان حکومت سوسیالیستی را اداره خواهند کرد. حزب کمونیست کارگری اجازه نخواهد داد که سرمایه داری یکبار دیگر حکومت کند. تنها حزب و سازمانی که میشود اطمینان کرد همین حزب است ولی فعالیت در ایران کمی برای ما مشکل است. مردم باید این حزب را بعنوان رهبر انتخاب بکنند تا در این مبارزه پیروز شویم. زنده باد حزب کمونیست کارگری

عضو جدید از اصفهان

سلام به کیوان جاوید. ما خانوادگی هر شب برنامه ها را میبینیم و خواهش میکنیم که ادامه دهید و بامید دیدار در جامعه ای آزاد و برابر. برای دانشجویان مبارز درود میفرستم و زنده باد میگویم. مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد کانال جدید، زنده باد حزب کمونیست کارگری.

زن و مردی از گیلان

سلام کیوان جان، من خیلی ناامید شده بودم ولی با حرکت دانشجویان کلی امید و انرژی گرفته ام. خسته نباشید دانشجویان ما هم با شما هستیم و عمر این رژیم تمام شده است. زنده باشید. جوانی از ایران

سلام کیوان جاوید. در یکی از کوره پزخانه های ورامین کارفرما یک کارگری را شدیداً کتک زده و راهی بیمارستان کرده. در این مملکت کسی بداد کارگر نمیرسد. درود بر کانال جدید. کارگری از ورامین

سلام آقا جاوید، ما کارگران از حکومت خسته شدیم و من میخواهم که عضو این حزب بشوم. کارگری به نمایندگی از ۱۰ همکار

سلام آقا کیوان. من و همکارانم مدتهاست این برنامه های شما را میبینیم و میخواهیم به کارگران پیامی بدم که از این حزب که هیچ سازی با حکومت سرمایه داران ندارد دفاع کنیم. من در جلوی دانشکده ادبیات بودم و حمایتشان میکردم. درود بر همه دانشجویان مبارز و درود بر حزب کمونیست کارگری.

یک کارگر از ایران

سلام آقا جاوید. درود بر شما و منم میخواهم با شما باشم و به تمام دانشجویان هم که اعتصاب کردند و برای آزادی این ملت قیام کردند درود میفرستم و بدانند که ما کارگران هم با آنها هستیم.

کارگری عضو جدید حزب

سلام آقا جاوید. اجازه بدید احساسم را بگم که دوباره متولد شده ام که این کانال و این حزب را پیدا کرده ام و مبارزات باشکوه دانشجویان را هم دیدم که چقدر ضد مذهب بودند.

عضو جدید از ایران

ما خانوادگی به کانال جدید درود مخصوص داریم و از مبارزات دانشجویان بسیار خوشحال شدیم و حمایت میکنیم. ما باید متحد شویم این حکومت را عوض کنیم. ما بشما کمک مالی ماهانه میکنیم.

یک خانم و آقا و دخترشان از آلمان
آقا کیوان سلام و درود بر منصور حکمت و زنده باد حزب کمونیست کارگری و زنده باد دانشجویان. عضو جدید از تهران

سلام آقا کیوان. درود بر دانشجویان که این رژیم سرکوبگر مذهبی را شکست دادند و باید بدانند که ما با آنها هستیم و با کانال جدید هستیم. ما دیگر خسته شده ایم و میخواهیم با شما باهم فعالیت

کنیم.

عضو جدید از ایران
سلام آقا جاوید. این کانال و این دانشجویان امید را در دل خانواده ما تجدید کردند و حرف دل ما را زدند که نبودن این رژیم و بودن رفاه و آزادی و برابری است. من هم میخواهم به این حزب بپیوندم. مردی از ایران

پیام دانشجویان: حکومت اسلامی نمیخواهیم برنامه ای از شهلا دانشفر

سلام خانم دانشفر، من فرزانه هستم و میخواستم با دانشجویان و با شعرهایشان اعلام همبستگی کنم. امسال من خودم در دانشگاه تهران بودم خیلی عالی بود و خوشبختانه یکی از رزنده های رو به رشد دانشجویان و جامعه بود و واقعا خوشحالم و آنقدر تحت تاثیر دانشجویان و مردم قرار گرفته ام که نمیتوانم خوب ابراز کنم. امیدوارم کارگران و مردم هم بیش از اینها اعلام همبستگی کنند.

فرزانه از تهران

با درود به خانم دانشفر، در جواب آن استاد دانشگاه طرفدار رژیم بگویم که اتفاقاً ما دانشجویان بر علیه نظام جمهوری اسلامی تظاهرات میکنیم که از مذهب بعنوان ابزاری علیه توده زحمتکش مردم استفاده میکنند و نقش ضد انسانی و جنایتکارانه خود را پیش میبرند، خدایی که مصرا نه به اقلیت حاکم کمک میکند تا اکثریت زحمتکش مردم را از پای درآورند، و بجای اینکه قوانین انسانی و برابر حاکم باشد با قوانین ایده آلیست و مذهبی خون مردم را در شیشه کرده اند و در این میان روحانیونی از طبقه بورژوا بوجود آمده اند و بسان کرمی میمانند که در روح و جان مردم افتاده اند و تولید ضعف میکنند و به نحو باور نکردنی افزایش میابند و گرایشات آزادی برابری خواهانه مردم و دانشجویان را سرکوب میکنند ولی اینرا نمیدانند که طبقه زحمتکش جامعه علیه این سرمایه داران فاشیست متحد شده و خواستار سرنگونی این رژیم و تغییر این نظام سرمایه است اما متأسفانه علی‌رغم فعالیتهای پی در پی دانشجویان

آزادیخواه و برابری طلب هنوز هستند افراد خود فروخته ای که خواهان اصلاح این نظام کثیف اسلامی سرمایه اند و نمیدانند که اصل آزادیهای فکری و سیاسی جامعه را خود همین رژیم است که نفی میکند، در حالی که مردم ما گرسنه اند و در رسیدن به ابتدایی ترین حقوق انسانی یعنی حق تامین معاش و مسکن و کار اجتماعی محرومند، بنابراین از مردم زحمتکش سراسر کشور انتظار میرود که فریب انتخابات خودکامه این رژیم را نخورند و به صفوف دانشجویان آزادی و برابری طلب که بطور گسترده متشکل شده اند بشتابند و از تشکلهای خود فروخته ای مثل تحکیم و وحدت و انجمن اسلامی که همچون سوپاپ اطمینانی برای این رژیم هستند دوری کنند. خانم دانشفر میخواهم خواسته هایمان را در ۷ بند بخوانم، با تشکر از شما.

۱- ما دانشجویان در درجه اول خواستار تغییر این نظام دیکتاتور و خودکامه هستیم. ۲- خواهان جامعه آزاد و پویا هستیم. ۳- خواهان آزادی بیان سیاسی هستیم. ۴- خواهان یک دمکراسی کارآمد و مفید

۵- خواهان حاکمیت قانون به تمامی بازیگران صحنه اجتماعی. ۶- خواهان رفع تبعیض جنسی میان زن و مرد هستیم. ۷- محو کمیته های انضباطی و حراست از دانشگاهها را میخواهیم. پیام و خواسته های بخشی از دانشجویان

سلام شهلاجان، منم میخواهم با شعرها و پیام دانشجویان پشتیبانی کنم. مرگ بر جمهوری اسلامی. ما چشم به همبستگی جنبش کارگری و جنبش زنان و جنبش دانشجویی دوخته ایم. درود بر همه شما.

کارگری از خوزستان

سلام خانم دانشفر، شما و تمام یاران کانال جدید خسته نباشید میگویم. من دانشجوی اخراجی 72 بودم الان کارگرم و آنموقع بمن میگفتند قصد براندازی نظام را دارم. من و دوستان کارگرم از دانشجویان آزادی برابری طلب پشتیبانی میکنیم و ما کارگران و مردم باید فراتر از اعلام حمایت برویم و مثل

از صفحه ۸ صدای مردم در کانال جدید

دانشجویان در صحنه سیاسی نقش ایفا کنیم و مثل جریان کوی دانشگاه و جنایات رژیم این دانشجویان را تنها نگذاریم و مردم باید از دختر و پسرهای خودشان حمایت عملی بکنند. ما معتقدیم که اعتقادات مذهبی هم آزاد است اما متاسفانه از آن استاد دانشگاه که از رژیمی حمایت میکرد که برای ما کارگران ۲۲۰ هزار تومان مزد تعیین کرده است. وقت عزیزتان را نمیگیریم و متشکریم.

دانشجوی سابق و کارگر و عضو جدید حزب

خانم دانشفر سلام، در تایید صحبت‌های شما و با حمایت از پیام و حرکت دانشجویان آزادی برابریخواه به این استاد موافق نظام میگویم که شعار دانشجویان مرگ بر دیکتاتور، سید علی پینوشه ایران شیلی نمیشه، احمدی نژاد عامل تبعیض و فساد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد بود و پیام ما هم این است.

۱- خواهان کوتاه شدن دست مذهب و قوانین ارتجاعی از دانشگاهها و مدارس و جامعه سکولار هستیم ۲- برچیدن کمیته های حراست و انضباطی ۳- آزادی هرگونه تشکل صنفی و سیاسی ۴- آزادی تحصن و نشر نشریات و آزادی بیان ۵- برچیدن گیت‌های امنیتی ۶- رفع هرگونه تبعیض و نابرابری و جداسازی جنسیتی دختر و پسر و لغو اجباری آپارتاید جنسی ۷- برابری بی قید شرط بین زن و مرد ۸- ایجاد سطوح مدیریتی و آموزشی بهتر ۹- لغو هرگونه احضار فعالین زنان و کارگران و دانشجویان ۱۰- آزادی تمامی فعالین جنبش زنان و کارگری دانشجویان از بند رژیم ۱۱- خواهان يك جامعه مرفه و آزاد و شاد بدور از هر گونه تبعیض و نابرابری و استثمار و جدا از هرگونه ملیت و قومیت و نژاد و رنگ و مذهب هستیم ۱۲- خواهان لغو اعدام و سنگسار و شلاق هستیم.

خانم دانشفر من امروز همه این بندها و خواستها را برایتان فرستادم. پیام و خواسته های جمع دیگری از دانشجویان

سلام خانم دانشفر، این آخوندهای بی شرف مرا ۵ سال حبس کردند و کل زندگیم را گرفتند. من به تمامی

دانشجویان آزادی برابریخواه درود میفرستم و امیدوارم بزودی رژیم را سرنگون کنیم.

مردی از ترکیه

خانم دانشفر سلام. این رژیم فقر و فلاکت و اعتیاد و جنایت را به مردم تحمیل کرده و دانشجویان هم زبان اعتراضی مردمند. ما به کانال جدید و حزب کمونیست کارگری و دانشجویان درود میفرستیم.

يك خانواده کارگری از شمال

سلام خانم دانشفر، دانشگاه محل علم و اندیشه است ولی ۳۰ سال است که این رژیم دانشگاه ها را هم مثل زندگی کارگران و زنان و همه مردم، به بند کشیده است. من از تمامی کارگران و مردمی که از دانشجویان حمایت کردند قدردانی میکنم و بشما و حزب کمونیست کارگری هم درود میفرستیم. خانواده ما کانال جدید را زبان مشترک حزب و مردم میدانند. زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم.

پدر ۲ دانشجو از مازندران

خانم دانشفر این فرزندان ما خاتمی و احمدی نژاد و خامنه ای و همه را عقب رانندند. درود بر دانشجویان عزیز و درود بر کانال جدید و زنده باد کارگران و حزب زنان و جوانان، حزب کمونیست کارگری، زنده باد منصور حکمت، زنده باد سوسیالیسم. مرگ بر جمهوری اسلامی.

مادر ۷۰ ساله عضو حزب از آلمان

خانم دانشفر سلام، دانشجویان نه تنها گفتند که چی نمیخواهیم بلکه بوضوح گفتند که چی می‌خواهیم. گفتند جمهوری اسلامی نمیخواهیم و آزادی و برابری هويت انسانی و سوسیالیسم را می‌خواهیم.

مردی از ایران

خانم دانشفر من با شنیدن صدای اعتراض دانشجویان خیلی بوجد و هیجان آمدم و خیلی امیدوار شدم. باید بگویم که اسلام واقعی همین است که میبینیم. زنده باد دانشجویان زنده باد کانال جدید.

زنی از ایران

من يك کارگرم و از طرف همه دوستان و همکارانم به دانشجویان اعتراضی درود میفرستیم. جنبش کارگری همبسته جنبش دانشجویی است. زنده باد حزب و زنده باد کانال جدید و زنده باد سوسیالیسم.

به نمایندگی از جمعی از کارگران ایران

سلام خانم دانشفر، اعتراضات و شعارهای دانشجویان خیلی بحق است و ما خانوادگی حمایت میکنیم.

يك خانواده کارگری

سلام خانم دانشفر، ما از اعتراضات و شعارهای دانشجویان حمایت میکنیم. زنده باد آزادی و برابری و هويت انسانی. زنده باد سوسیالیسم. زنده باد حزب کمونیست کارگری.

کارگری از همدان

خانواده ما از مبارزات بحق دانشجویان حمایت میکند. مرگ بر جمهوری اسلامی. درود بر کانال جدید.

زنی به نمایندگی از خانواده

سلام خانم دانشفر و سلام به تمام بینندگان عزیز کانال جدید. ما برگزارکنندگان روز ۱۶ آذر در مالمو به تمامی دانشجویان معترض که جمهوری اسلامی را پچالش گرفتند درود میفرستیم. در این مراسم نوید مینایی دبیر سازمان جوانان کمونیست و حسن صالحی دبیر کمیته خارج کشور حزب و عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری سخنرانی کردند. منم علیه اعدام و فرزند کمانگر و کبرا رحمانپور صحبت کردم و امضاها و نامه هایی آماده کردم که به پارلمان اروپا و سوئد ببریم. برای آزادی زندانیان سیاسی تلاش میکنیم و یاد اکبر محمدی را که زیر شکنجه مرد گرامی میداریم.

فریده آرمان مسول کمپین همبستگی با ۱۶ آذر از شهر مالمو سوئد

سلام خانم دانشفر، ما امیدواریم که این مبارزات باشکوه دانشجویان به مراکز صنعتی و کارگران نفت هم کشیده شود تا همه کارگران و مردم متحد و متشکل بلند شوند و کار رژیم را تمام کنند.

کارگری از ایران

سلام خانم دانشفر. اولاً همبستگی خود را با اعتراضات دانشجویی اعلام میکنم و امیدوارم هرچه سرخ تر برگزار شوند و همه مردم و دانشجویان پیروز شوند. دوم اینکه از خانواده ها بویژه خانواده دستگیرشدگان تقاضا میکنم که کمیته های خانواده ای تشکیل بدهند و برای دستگیری دانشجویان مثل سال گذشته و بهتر از آن بطور جمعی تلاش کنند. دانشجویان هم اعتصاب را تمام شده تلقی نکنند بلکه همگی در حمایت عملی با مردم و جامعه و با کانال جدید همه روز را ۱۶ آذر بدانند.

يك فعال کمونیست کارگری

سرحدی زاده: دست کارفرما باید باز باشد تا کارگران دزد! را اخراج کند برنامه ای از اصغر کریمی

خسته نباشید آقای کریمی و درود بر حزب کمونیست کارگری ایران، این آقای سرحدی زاده که میخوان کارگران را دزد حساب کنند و اخراج کنند در واقع بازخواستی است که برای خودشان باید اجرا شود. کورخوندی آقای سرحدی زاده این حرفها برای رد گم کردن است، همه مردم میدانند که در همان انتخاب اول شغلت سرکوب را انتخاب کردی! تو با جمهوری اسلامیت مظهر جنگ و فقر و جنایت و فساد و استثمار و تبعیض و بیچارگی و تمامی بدبختیها و محکوم به فنا و نابودی هستی و ما مردم میدانیم که مذهب ابزار دزدی دست سرمایه داراست. این را هم میدانید که نکته مقابل جمهوری اسلامی حزب کمونیست کارگری و کانال جدید است که منبع تمامی خوشبختیها و سرچشمه صلح و دوستی و آبادانی و عدالت است و مظهر آزادی و برابری و برادری و پاکی و پاکیزگی است، در مقابل شما پرچمدار رهایی کارگران و زنان و توده های محروم است. پس زنده باد حزب کمونیست کارگری زنده باد کانال جدید و مرگ بر جمهوری اسلامی. مرگ بر سرمایه داری ضد کارگر

مردی از مازندران

من از بینندگان کانال جدیدم. اگر مردم و هر کارگری به آینده شغلیش اطمینان نداشته باشه نمیتونه کار کنه. کارگر به امنیت شغلی و رفاه نیاز دارد که با قلب آرام بتواند کار کند وگرنه بدون امنیت شغلی حق کارگر خورده میشه، اگر قرار باشد با کوچکترین اختلاف و دعوا و انگلی که میجسباند کارگر را بیرون کنند آنوقت با ضایع شدن اولین حقوق انسانی، چنین کارخانه و سیستم کاری نمیچرخد.

کارگری از ایران

درود بر حزب کمونیست کارگری. اما از دست این دزدان و جنایتکاران جمهوری اسلامی و ملاها. از چه بگویم از خون و خونریزی! از تعرض این ملایان انگلیسی به حقوق کارگران و مردم! از خفقان و صدهای خاموش شده در گلو! از تزویر و ریا و از يك تکه نانی که در دست بچه هایمان نمانده است! از فلاکت و بدبختی و نداری و بیکاری از چه بگویم! آخر چرا باید این حاکمان سرمایه در چنان رفاه و قلدری و قدرتمندی و ما کارگران و مردم زحمتکش در چنین وضع نابسامان و بیچارگی! اما آقای کریمی خوشحالیم که میبینیم اینها نفسهای آخشان را میکشند چونکه میدانیم که حزب کمونیست کارگری با سازماندهی و رهبری کارگران و مردم بزودی اینها را بزیر خواهد کشید.

کارگری از ایران

الو سلام آقای کریمی خسته نباشید. من کارگر هفت تپه هستم. اولاً تشکر میکنم از برنامه خیلی خیلی خوبتان. ما حدوداً ۴ تا ۵ ماه مدام اعتصاب کردیم و جمع شدیم رفتیم جلوی فرمانداری شوش دانیال. اعتصابمون هم بدینصورت بود که فقط در آنجا تجمع کردیم، نه به رژیم فحش دادیم نه جایی را آتش زدیم و نه سنگ پرانی کردیم. بعد مامورین نیروی انتظامی که فرماندهشان آقای خسرو پور بود بهمه سرهنگ دانش با باتوم بجان ما افتادند و ما را متفرق کردند و ما آمدم خانه، ساعت چهار بود و من کنار زن و بچه ام خواب بودم که مامورین اطلاعات از در و دیوار ریختند خانه و دستها و چشمان مرا بستند و منو انداختند عقب ماشین که نفهمیدم به کجا

صفحه ۱۰

کارگران لوله سازی اهواز دست به تجمع اعتراضی زدند

داده شد. در بخش دیگری از این خبر آمده است که سپاه پاسداران بیش از ۴۰۰ میلیاردر تومان از این شرکت باصلاح خرید کرده است اما هنوز هزینه ای پرداخت نکرده است که کارگران دلیل عمده ورشکستگی این شرکت را غارت های اینچینی می دانند.

حزب کمونیست کارگری از اعتراض به حق کارگران لوله سازی اهواز حمایت می کند و کلیه کارگران این شرکت را به اعتراض یکپارچه و متحدانه و برگزاری منظم مجمع عمومی خود فرامی خواند. حزب از همه کارگران، بویژه کارگران دیگر صنایع در اهواز می خواهد که از هیچگونه حمایتی از مبارزه کارگران لوله سازی دریغ نکنند. حزب بر ضرورت حضور فعال خانواده های کارگران در تجمعات اعتراضی تاکید می کند. ۴۰۰ کارگر و همسران و سایر اعضای خانواده کارگران نیروی عظیمی است که اگر به میدان بیاید سرعت حمایت مردم اهواز را جلب میکند و برای دولت چاره ای جز عقب نشینی باقی نمیگذارد.

داده شد. در بخش دیگری از این خبر آمده است که سپاه پاسداران بیش از ۴۰۰ میلیاردر تومان از این شرکت باصلاح خرید کرده است اما هنوز هزینه ای پرداخت نکرده است که کارگران دلیل عمده ورشکستگی این شرکت را غارت های اینچینی می دانند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۷ دسامبر ۲۰۰۸، ۲۷ آذرماه ۱۳۸۷

این سرما بیرون میکنند. بچه هاشونو از مدرسه درآوردن و پاسپورتها را هم پاره کردند! کجای اینها مسلمونیه؟! این چه وضعیه؟! یک نوجوان از ایران

سلام. اینها هیچ ارزش و اهمیتی برای انسان قائل نیستند. مرگ بر جمهوری اسلامی. خداحافظ. مردی از ایران

مشکل بیکاری جوانان از یکطرف و تعطیل شدن کارخانه ها هم اخیرا از یکطرف مشکلات ما جوانان کارگر را بالا برده. در رشت کارخانه های ریسندگی خاور، چینی گیلان، کارخانه ...، همگی تعطیل شدند و نه تنها حق و حقوق کارگران را نمیدن بلکه کلا محیطهای کار را هم میبندند. کارخانه الکتریک هم تعطیل شد و البته بیکاری مختص کارگران نیست. جوان کارگری از شمال

من پیامی به کارگران عزیز دارم. باید بدانید که مردم ایران پشتیبان شماست و راه رهایی اتحاد و همبستگی شماست. دانشجویان و جوانان و معلمان و کارگران و همه مردم مبارزه میکنند و حاکمان این رژیم هم میلرزند. کارگران عزیز حزب کمونیست کارگری تنها ابزار مبارزه شما برای رهایی است. پیوستن شما به این حزب است که میتواند شما را به هدف خوشبختی و زندگی سالم برساند. مردی از ایران *

صدای مردم در کانال جدید

از صفحه ۹

سلام آقای کریمی. اینها در برابر چند میلیون کارگر نمیتوانند بایستند. تا بحال همه کاری کرده اند ولی بازهم نتوانستند بایستند. اینها کور خوندند، دیگر توهم قبلی جایش را به دانایی و اقدام و عمل داده و همین کانال جدید حزب کمونیست کارگری که در مقابل اینها است خودش یک اقدام و عمل است. کارگری از ایران

آقای کریمی سلام. این نیروهای انتظامی موتور بنده را که با آن کار میکردم و نان زن و بچه را در میاوردم با بار و همه چیزش گرفته اند و نمیدهند. کی باید به داد ما برسند؟! کلی هم خرج دادگاه و شکایت کرده ام. تو را بخدا ما را از دست اینها رها کن، کاری کنی که از دست اینها خلاص شویم. مردی از ایران

اقا از کجا شروع کنیم و چی بگیم. این آخوندهای کثافت پدر ما را درآوردند. موتور میبری خیابان میگیرند! پیاده میبری گیر میدن! سرکار میبری با دو ماه قرارداد اخراج! یقه کسی را هم نمیتونی بگیر! همه جا هم پولکی شده! شما بدادمان برسید.

مردی از ایران الو، به افغانیها خیلی سخت میگیرند، خانواده های زیادی را توی

برندند! خلاصه همانطور منو با چشمان بسته روی صندلی قرار دادند و خودم را با صندلی باهم بلند کردند و پرت کردند به ته سالن! ببینید چه بلایی سر من آوردند آنقدر کتک زدند و آنقدر با کابل به پاهام زدند که الان حول و حوش دو ماه است که همه جای بدنم کبود است! من کجا میتوانم بروم شکایت اینها را بکنم! و بعد هم از من تعهدی گرفتند که اگر بعد از این کوچکترین اعتصابی باشد و بنده در آن حضور داشته باشم آنوقت هم خودم و هم خانواده ام میریم زیر سوال! از برنامه خوبتان تشکر میکنم و فقط خواستم بشما زنگ بزنم و بگویم که ما نمیتوانیم که با اینها چطور باید حریف بشیم. در ضمن در مورد حزب کمونیست کارگری اطلاعات ما خیلی کم است و در حد همین برنامه هایی که گذاشته اید میفهمیم که حزب کمونیست چی هست. اگر میتوانید توضیحاتی بدهید و ما بدانیم که چطور میشود عضو شد و کلا کمونیسیم چی هست؟ ممنونم، متشکرم و از دور شما را میبوسم خداحافظ. کارگر هفت تپه

من همسر کارگری ۷۰ ساله ام که با این سن الان هم شب کار است. یک پسر سرباز دارم و یک دانشجو دارم. آخه با این ۲۵۰ هزار تومان چطور زندگی کنیم؟ تو را بخدا بداد مردم برسید. یک زن از ایران

کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این تلفن ها یا ایمیل ها تماس بگیرید

در آمریکا و کانادا با

یابک یزدی (کانادا-آمریکا) : تلفن : ۷۵۹ ۳۳۹۶-۴۱۶-۰۱-۱

۷۱۳۸ ۴۷۱ ۴۱۶-۰۱-۱

ایمیل : babakyazdi@yahoo.com

زری اصلی (غرب کانادا - ونکوور) تلفن : ۸۹۸۶ ۷۲۷ ۶۰۴-۰۱-۱

ایمیل : zariasl@yahoo.ca

در اروپا با

انتشارات نسیم: تلفن : ۳۹ ۳۹ ۱۷۰-۰۷۳-۰۴۶

ایمیل : nasim_info@yahoo.se

جلیل جلیلی (انگلستان): تلفن : ۴۴ ۲۴ ۲۵ ۷۰-۰۷۸-۰۴۴

ایمیل : jallilik@yahoo.com

مهین گوشا (آلمان): تلفن : ۵۴۹ ۲۵ ۷۰-۱۷۳-۰۴۹

ایمیل : mahinkusha@t-online.de



سایت حزب: www.wpiran.org
سایت روزنه: www.rowzane.com
نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

L.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!